

فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۴۰۲

مطالعه تطبیقی آثار حقوقی و جزایی شهادت زور در فقه امامیه، حقوق ایران و مصر

سید محمد ابراهیمی^۱؛ *محمد رسول آهنگران^۲؛ سید ابوالقاسم نقیعی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۷

چکیده

شهادت به عنوان دلیل اثبات دعوا، وجه مشترک نظامات فقه و حقوق ایران و مصر است که اگر دچار آفت تزویر گردد، موجب آثار متعددی از جمله، ناهق کردن حقوق عمومی و بی نظم و اختلال اجتماعی و قضایی خواهد بود بدین لحاظ ضروری است در صدد پیشگیری از آن برآمده و از طریق شناخت تطبیقی آثار فقهی، حقوقی و جزایی آن در نظامات فقه امامیه و حقوق ایران و مصر و معرفی نقاط ضعف و قوت هر یک از آنها به این هدف مهم، نائل گردید. یافته های تحقیق حاضر که به صورت تطبیقی برای اولین بار و به روش توصیفی- تحلیلی صورت گرفته نشان می دهد شهادت زور در فقه امامیه و حقوق ایران و مصر، در عداد جرائم مطلق تلقی شده و آثار مشترکی بر آن مترتب است که برای قبل از صدور حکم می توان عدم ترتب اثر و مجازات شاهد زور و برای بعد از صدور حکم، نقض حکم، جبران خسارت مشهود علیه، اعاده دادرسی و مجازات های مختلف و متناسب با جرم حاصل از شهادت زور که در فقه و حقوق ایران تعزیر، حدود و قصاص و دیات و در حقوق مصر مجازاتهای متناسب با جرائم جنحه، خلاف و جنایت را نتیجه گیری نمود. دیگر یافته تطبیقی این پژوهش، توجه ویژه فقه امامیه به مجازات تشهیر و نیز پرداختن به مباحث حقوق خانواده نظیر طلاق و ازدواج است که از نقاط قوت این نظام حقوقی بر شمرده شده و خلاء این آثار مثبت در حقوق ایران و مصر از نواقص و نقاط ضعف دو نظام یاد شده، نتیجه گیری گردیده است.

کلید واژه ها: شهادت زور، آثار شهادت زور، مجازات تشهیر، سایر مجازاتها

^۱ دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران

^۲ استاد تمام گروه فقه و مبانی حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران ahangaran@ut.ac.ir

^۳ دانشیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه شهید مطهری، تهران

مقدمه

از اهداف بلند و مقاصد شریعت، ایجاد عدالت و بسط و دادگستری میان انسانها و جوامع است که در مسیر وصول به این هدف اولین قضات و داوران، رسولان الهی و حضرات معصومین بودند که به رفع مرافعات مردم می پرداختند و در این راه از شهادت شهود به عنوان وسیله ای انکارناپذیر بهره می بردند، شهادتی که تحقق بخش عدالت بوده و دروغ و بطلان در آن راه نداشته باشد: "والذین لایشهدون الزور" و کسانی که شهادت باطل و لغو نمی دهند (فرقان، ۷۲) و "فاجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا قول الزور" (حج، ۳۰) پرهیزید از پلیدی و از شهادت باطل دوری کنید. و سخن رسول گرامی اسلام (ص): ای مردم شهادت به باطل به سان شرک به خداوند است. سپس آیه "فاجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا قول الزور" را تلاوت کردند، پس، از پلیدی بت ها اجتناب کنید و از شهادت دروغ احتراز نمایید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۴، ص. ۹۲) حاصل آنکه شهادت زور از نظر فقه هم دروغ است و هم تهمت و لذا از گناهان کبیره محسوب شده و به دلیل جنبه حق الناسی آن دارای گناه مضاعف بوده و شارع علاوه بر جرم انگاری آن، مجازات اولیه تشهیر را برایش منظور کرده است.

شهادت به معنی اخبار از وجود یا عدم واقعه ای از سوی یکی از غیر طرفین دعوا است که در حقوق ایران و مصر، از ملاکهای اثبات دعوی و به عنوان سنجه اثبات جرم، می باشد لذا چنانچه این دلیل اساسی اثبات جرم، مخدوش شود و آفت ببیند یعنی شهادتی که انسان عالما و عامدا برخلاف واقع ارائه کند تا باطلی را حق یا حقی را باطل جلوه دهد، لطمات غیر قابل انکاری را به تحقق عدالت قضایی و حقوق عمومی وارد خواهد نمود، دفع و رفع این مشکل و معضل که امروزه گریبان جوامع را می فشرد تا جایی که افراد سودجو و فرصت طلب، دادگاهها را به جایگاه سوداگری و تجارت تبدیل کرده و در راه تامین منافع مادی و مطامع شخصی خود باعث شده اند که روند دادرسی از عدالت طلبی و عدالت خواهی به بی عدالتی تغییر نماید و این خود دغدغه و مسئله ای است که دستگاه قضا با آن مواجه می باشد بدین لحاظ تحقیق حاضر به دنبال یافتن راهکارهایی برای برون رفت از آن است، اگر چه محققین قبلا به مسئله شهادت زور و موضوع مجازات تشهیر در فقه امامیه هر یک در حوزه ای خاص و در مقالاتی مانند "جایگاه تشهیر رسانه ای در مبارزه با مفاسد اقتصادی"، "تشهیر شاهد زور"، "معنا شناختی شهادت زور"، "کیفر شناسی و امکان سنجی نشر تصویر، حکم محکومیت و رسواسازی قضات متخلف" بدان پرداخته اند ولی تحقیق حاضر برای اولین بار و با نگاه تطبیقی به موضوع شهادت زور در فقه امامیه و حقوق ایران و مصر مبادرت ورزیده تا از این مسیر آثار و پیامدهای حاصل از ارتکاب جرم مزبور، شناخته شده و نقاط قوت آن، پر رنگ تر و نقاط ضعف، مرتفع گردد. از این روی برای پیشگیری از بروز چنین جرمی در حوزه اقدامات پسینی و واکنشی، با توجه به اینکه شهادت زور از جرائم مطلق می باشد، باید اعمال مجازاتهای مختلف صورت پذیرد که در فقه امامیه، اولین و بهترین مجازات، تشهیر عنوان شده است و در قوانین موضوعه ایران به مجازاتهای تعزیری زندان یا جزای نقدی (ماده ۶۵۰ ق. م. ا.) و حدود و دیات و قصاص (تبصره ماده

۶۵۰ق.م.ا.) و در حقوق مصر به تناسب جرائم جنحه، خلاف و جنایت، مجازات جبران خسارت، پرداخت نقدی یا زندان (ماده ۲۹۴ قانون عقوبات) و اعدام (ماده ۲۹۵ قانون عقوبات) معنون گردیده است.

۱- مفاهیم و مبانی

۱-۱- شهادت زور

۱-۱-۱- **تعریف شهادت** - شهادت در لغت به معنای حضور (نجفی، ۷/۴۱) و در اصطلاح اخبار از وقوع امر محسوس به یکی از حواس در غیر مورد اخبار به حقی به ضرر خود و به نفع غیر است (جعفری لنگرودی، ۳۹۷/۱۵).

۱-۱-۲- تعریف زور

زور کلمه ای عربی و اجوف واوی است و معنایش مایل و منحرف شدن و بازگشتن است. حروف ز، و، ر، در کنار هم و به عنوان لفظ واحد بر معنای مایل شدن و عدول کردن دلالت دارد کلمه الزور به مفهوم کذب و دروغ نیز از همین ریشه است زیرا سخن دروغ از راه حق منحرف شدن است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۳، ص. ۳۶). دروغ و باطل بودن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۳۶). سخن دروغ و شهادت باطل (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص. ۳۸۰).

۱-۱-۳- تعریف شهادت زور

شهادت بر خلاف حقیقت (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ذیل شهادت). گواهی کذب از روی عمد (فیض کاشانی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص. ۲۹۸). گواهی کذب و باطل (مجلسی اصفهانی، ۱۴۰۶، ج ۹، ص. ۲۶۰). گواهی با وجود علم به خلاف (طباطبایی حکیم، بی تا، ص. ۲۷۳). گواهی به غیر حق (روحانی، بی تا، ج ۱، ص. ۲۰). گواهی با مایل شدن و منحرف شدن از حق (نراقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص. ۲۲۶ و ۲۲۹). آنست که شخص پس از ادای سوگند و التزام به حقیقت گویی در مرجع قضایی به عمد نه از روی سهو یا اشتباه در امر مهم دروغ بگوید (بوشهری، ۱۳۸۷، ص. ۲۹۳). اداء گواهی دروغ، توسط گواه نزد مقامات رسمی در دادگاه (شاملو احمدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص. ۲۸۷). شهادت دروغ، از آن دسته جرائمی است که از طرف شارع مقدس، برای آن حد مقدری در نظر گرفته نشده است البته به جز شهادت دروغ و یا شهادت متفرق شهود در زنا، که موجب حد قذف می شود (زمانی؛ ایوبی؛ تولایی؛ ۱۳۹۰ش، ص. ۱۱۸). به شهادت جاهلی اطلاق می گردد که از موضوع شهادت اطلاعی نداشته و از روی دروغ شهادت دهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص. ۸۴۲).

در حقوق مصر - به شهادتی گفته می شود که فرد اقوال دروغی را در تحقیقات پلیس یا دادستانی به قصد کمک به جانی بگوید که بر اساس ماده ۱۲۶ مکرر از قانون عقوبات مصر، مجازات می گردد.

۱-۱-۴- جایگاه و مبانی شهادت زور

۱-۴-۱-۱- قرآن: آیه ۷۲ فرقان: کسانی که گواهی به ناحق ندهند و چون با ناپسندی برخورد کنند با بزرگواری بگذرند. و آیه ۳۰ حج: ... پس از پلید حقیقی یعنی بت ها اجتناب کنید و نیز از قول ناحق دوری گزینید.

۱-۴-۱-۱-۲- سنت: ۱- پیامبر اسلام (ص): ای مردم شهادت به باطل هم ردیف شرک به خداوند است، سپس آیه ۳۰ حج را تلاوت کردند: پرهیزید از بت ها و از سخن ناروا و ناحق، دوری کنید. ۲- پیامبر اسلام (ص): سخن شاهد زور نزد حاکم تمام نمی شود مگر جایش در جهنم مهیا شده باشد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص. ۷۷). ۳- از امام صادق (ع) سوال شد: کسی حقی بر دیگری دارد و او حق را انکار می کند و قسم می خورد که آن شخص حقی بر من ندارد و صاحب حق هم بیینه ندارد، آیا در صورت بیم از بین رفتن حق او، می توان با شهادت زور حق او را زنده کرد؟ امام فرمودند به دلیل تدلیس جایز نیست (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص. ۹۳). ۴- حکم می گوید به امام صادق (ع) عرضه داشتم: مردی که طرف دعوی من می باشد، شاهدان باطل زیادی برایم می آورد و من دوست ندارم با او مقابله به مثل کنم افزون بر اینکه نمی دانم کار درستی برایم هست یا نه؟ امام (ع) فرمودند: آیا از علی (ع) به تو نرسیده که همواره می فرمودند: خودتان و اموالتان را با شهادت زور اسیر نکنید (بروجردی، ۱۴۲۹ق، ج ۳۰، ص. ۳۵۷). ۵- امام صادق (ع): شاهد زور به کمتر از قدم برداشتنی آتش جهنم برایش واجب می گردد (کلینی 1411ق، ۷، ص. ۳۸۳).

۱-۴-۳- حقوق ایران- در حقوق موضوعه ایران شهادت در زمره مهم ترین دلایل اثبات دعوی و به عنوان سنجه اثبات جرم، مورد پذیرش قانونگذاران قرار گرفته است (ماده ۱۶۰ ق.م.ا. و ماده ۱۲۵۸ ق.م.) و لذا در صورتی که شهود واجد شرایط لازم باشند، شهادت آنها به عنوان دلیل راجح به شمار رفته و قاضی به دنبال آن می تواند حسب اقتناع علمی، مبادرت به صدور حکم نماید. براین اساس چنانچه این دلیل اثبات آسیب ببیند و به شهادت زور تبدیل گردد، ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی برای شاهد زور سه ماه و یک روز تا دو سال حبس یا یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی منظور کرده است البته این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود، قصاص و دیات طبق تبصره ماده مذکور قید شده است. و ماده ۱۳۱۹ قانون مدنی مقرر داشته: در صورتی که شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود که بر خلاف واقع شهادت داده است به شهادت او ترتیب اثر داده نمی شود. بند ۵ ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص تجویز اعاده دادرسی به لحاظ شهادت دروغ.

۱-۴-۴- حقوق مصر- در قانون عقوبات مصر در باب ششم و در قسم شهادت کذب ذیل مواد ۲۹۴ تا ۳۰۰ به شهادت دروغ پرداخته شده است همچنین ماده ۴۴۱ قانون اجراءات الجنائی و بند ۳ ماده ۲۴۱ قانون مراعات در خصوص مجوز اعاده دادرسی آمده است.

۱-۲- تشهیر

۱-۲-۱- معنای تشهیر:

در لغت: مصدر باب تفعیل از ریشه شَهَرَ می باشد و لغت دانان معانی متعددی را برایش ذکر کرده اند بدین شرح: آشکار شدن عمل (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص. ۴۳۲). ظاهر کردن و نمایاندن شیء به نحو قبیح و زشت در میان مردم و به منظور آگاه شدن آنان است (فراهیدی، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص. ۴۰۰). شَهَرَ فلان یعنی مشهور شدن فلانی به خیر یا شر (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲ش، ص. ۴۶۸). افشا کردن و رسوا کردن بین مردم (فیومی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۲۵). ذکر کردن و شناساندن (معلوف، ۱۳۸۵ش).

در اصطلاح: برحسب آنچه بدان اضافه می شود، مفهوم خاصی پیدا می کند (شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ص ۵۰۷). تشهیر اعلان مجازات مجرم و ندا دادن به گناه او در برابر مردم است، بالاخص در جرائمی که در آنها به عنوان امین مردم به مجرم اعتماد می شود، تا او را بشناسند و از او دوری نمایند (عوده، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص. ۷۰۴). تشهیر به معنای گسترش و رواج دادن بدی و زشتی عمل کسی بین مردم است (قلعجی، ۱۴۰۵ق، ص. ۱۳۰). تشهیر به معنی شهرت یافتن و رسوا نمودن شخصی است که مجرم است و جرم وی در میان مردم اعلام می شود و رسوایی او را در پی دارد (شجاعی، صدیقه بیگم، آهنگران، محمد رسول، روحانی مقدم، محمد، ۱۳۹۸ش، شماره ۴۹، ص ۱۳۷).

۲-۱- مبانی تشهیر در فقه امامیه

روایت سماعه بن مهران: از امام صادق(ع): شاهدان زور باید تازیانه زده شوند که وقت خاصی برای آن نیست و باید در شهر گردانده شوند تا اینکه او را بشناسند و دوباره مرتکب آن نشوند (حرعاملی، ۱۴۳۲ق، ح. ۶۸). روایت عبد اله بن سنان از امام صادق(ع): شاهدان زور باید تازیانه زده شوند که وقت خاصی هم ندارد و این امر بر عهده امام است و باید در شهر گردانده شوند تا مردم آنها را بشناسند (حرعاملی، ۱۴۳۲ق، ح. ۶۹). روایت غیاث بن ابراهیم از امام صادق(ع): هرگاه علی(ع) شاهد زور را دستگیر می کرد، اگر غریب بود، او را به محله و شهر خودش می فرستاد، و اگر بازاری بود او را به بازار محل کسب و کارش می فرستاد و گردانده می شد و چند روز او را زندانی و سپس آزاد می کرد (حرعاملی، ۱۴۳۲ق، ح. ۸۷).

۳-۲-۱- حکم تشهیر در فقه امامیه

عده کثیری از فقیهان امامیه، تشهیر شاهد زور را واجب شمرده تا مردم به او اعتماد نکرده و از او حذر کنند (شیخ طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص. ۲۴۰؛ شهید اول، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص. ۱۷۰؛ نجفی، ۱۴۰۸ق، ج ۴۱، ص. ۲۵۲؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص. ۴۳۱؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص. ۴۰۲؛ علامه حلی، ۱۳۶۷ش، ص. ۷۲۴؛ حائری طباطبایی، ۱۴۰۹ق، ص. ۳۲۸؛ امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۴، ص. ۱۷۰؛ خویی، ۱۳۹۰ش، ج ۴۱، ص. ۴۱۹). تعداد اندکی علیرغم اقامه تعزیر، بر جواز و سزاوار بودن تشهیر حکم کرده اند (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق، ص. ۷۹۵؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص. ۵۲۹).

۲- آثار شهادت زور

از آنجا که ارکان مسئولیت فعل زیانبار، ورود خسارت و رابطه سببیت می باشد و وجود دو عنصر قصد فعل و قصد نتیجه آنرا به جرم و بزه عمدی تبدیل می کند لذا در شهادت زور، به لحاظ وجود قصد عمد در ارائه دروغ و قصد نتیجه، علاوه بر معرفی آن به عنوان جرم و بزه عمدی به عنوان جرم مطلق نیز یاد می کنند، از این رو و در پی ایجاد مسئولیت و ضمان برای شاهد زور، در فقه و به تبعیت آن حقوق عمومی، آثار و مجازات هایی برای شاهد زور تعیین گردیده که به لحاظ مجزا بودن هر یک از آثار در فقه و حقوق، ابتدا به آثار فقهی و سپس به آثار حقوقی پرداخته می شود و از آنجا که بر شهادت زور قبل و بعد از صدور حکم آثار جداگانه ای بار می شود دومین تقسیم بندی مربوط به آثار قبل از صدور حکم و بعد از صدور حکم خواهد بود و تقسیم سوم در خصوص قبل از استیفاء و بعد از استیفاء حکم می باشد.

۱-۲- آثار عمومی قبل از صدور حکم در فقه

۱-۱-۲- عدم ترتب اثر

اولین اثر شهادت زور قبل از صدور حکم در فقه، ترتیب اثر ندادن به آن است. اگر شهادت زور قبل از حکم حاکم معلوم شود، بدون اشکال حکم نباید انجام شود زیرا شهادت دو شاهد ساقط شده و لذا روشن است که شهادت صحیح نیست (خویی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص. ۷۲؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص. ۳۸۷).

۲-۱-۲- عدم پذیرش شهادت شاهد زور در سایر دعاوی

با شهادت دروغ، فرد از امین بودن ساقط شده و مردم اعتماد خود را نسبت به او از دست رفته تلقی می کنند و قهرا دومین اثر منفی که بر شهادت دروغ از طرف شاهد دروغگو بار می شود این است که مردم به وی بی اعتماد شده و شهادت وی علاوه بر بی اثر بودن در دعاوی مطروحه، در سایر دعاوی نیز نه مردم برای شهادت به او مراجعه می کنند و نه محاکم، شهادت او را خواهند پذیرفت. مگر اینکه توبه کنند و اصلاح شوند و عدالت آنها دوباره معلوم گردد (امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۴، ص. ۱۷۰).

۳-۱-۲- تشهیر و تعزیر

شارع شهادت زور را به عنوان جرم مطلق، جرم انگاری کرده و برایش مجازات تشهیر و تعزیر تعیین نموده است و لذا شاهد زور را چه قبل از صدور حکم و چه بعد از صدور حکم، به عنوان مجرم تلقی کرده، و با شهره کردن او در میان مردم قبیله یا محل یا مسجد یا بازار مبنی بر دروغگو بودن و عدم پذیرش شهادت او، وسیله ای برای عبرت دیگران فراهم ساخته تا تسری و شیوع این بزه در جامعه از بین برود یا کم رنگ شود.

۲-۲- آثار عمومی قبل از صدور حکم در حقوق ایران

۱-۲-۲- عدم ترتب اثر

ماده ۱۳۱۹ قانون مدنی ایران مقرر داشته "در صورتی که شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود خلاف واقع شهادت داده به شهادت او ترتیب اثر داده نمی شود".

۲-۲-۲- تعزیر

در حقوق ایران علیرغم اینکه متأثر از فقه امامیه می باشد به تشهیر اشاره ای نشده است ولی طبق مفاد ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی شهادت زور جرم انگاری شده و برای مرتکب آن مجازات جزای نقدی یا زندان علاوه بر مجازات های اختصاصی حدود و قصاص منظور شده است.

۲-۳- آثار اختصاصی بعد از صدور حکم در فقه

آثار اختصاصی را می توان در دو حوزه حقوقی (مالی و خانواده) و کیفری مورد بررسی قرار داد.

۲-۳-۱- امور حقوقی (مالی)

چنانچه برای مشهود علیه بر اثر شهادت شهود زور، حکم صادر شده باشد و دروغ بودن شهادت آنها توسط علم قاضی یا اسناد و یا قرائن دیگری که موجب علم قاضی شده، ثابت گردد، دو حالت متصور است:

۲-۳-۱-۱- شهادت زور بعد از صدور حکم و قبل از استیفاء معلوم شود:

۲-۳-۱-۱-۱- نقض حکم

آنچه مسلم است در این فرض، از نظر فقها حکم، نقض می گردد و بدان ترتیب اثر داده نمی شود (شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۰۳؛ امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۴، ص ۱۷۰؛ خویی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۷۲). ولی رجوع شاهد در امور مالی، پس از حکم قاضی، حکم نقض نمی گردد زیرا در رجوع از شهادت بین دروغ عمدی یا اشتباه، تردید وجود دارد، ولی در شهادت زور بطلان زور بودن شهادت، مسلم شده است و لذا حکم نقض می گردد. دلیل نقض حکم در شهادت زور مختل شدن شهادت توسط دروغ و فاسق شدن شهود ذکر گردیده و بدین لحاظ گفته شده باطل بودن شهادت زور سزاوار تر است (شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۰۳).

۲-۳-۱-۱-۲- تشهیر

به جهت تحقق جرم و بزه شهادت زور، تشهیر شهود زور انجام می گیرد.

۲-۳-۱-۲- شهادت زور بعد از صدور حکم و بعد از استیفاء معلوم شود:

۲-۳-۱-۲-۱- نقض حکم

۲-۳-۱-۲-۲- جبران خسارت

در امور مالی گواهان یا یکی از آنها اگر بعد از حکم قاضی، از شهادت خود برگردند چنانچه با اقرار خود رجوع کرده باشند، حکم نقض نمی شود و در صورت بقاء مال، باید به مالکش مسترد شود و اگر تلف شده باشد یا استرداد آن ممکن نباشد، شاهدان ضامن هستند و اگر تزویر و دروغ شاهد توسط قاضی ثابت شده باشد، حکم نقض می شود و عین مال در صورت بقاء به صاحبش مسترد می شود و در صورت تلف یا تعذر تسلیم، شاهد ضامن مثل یا قیمت آن هستند (شعرانی، ۱۳۶۷ش، ص. ۷۲۲؛ محقق حلی، ۱۴۱۰ق، ص. ۲۸۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص. ۳۰۳؛ امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۴، ص. ۱۷۰؛ خویی، بی تا، ج ۲، ص. ۲۳۰).

شهادت زور در امور مالی بعد از صدور حکم و بعد از استیفاء حکم، دو حالت دارد:

یک- عین مال باقی باشد: به صاحبش برگردانده می شود.

دو- عین مال تلف شده باشد:

الف- مشهود له، به تزویر و دروغ بودن شهادت شهود عالم و آگاه باشد: مشهود له ضامن است زیرا مال در دست او غضب می باشد.

ب- مشهود له به تزویر شهود جاهل باشد: ضامن نیست و همچنان ضامن بر عهده دو شاهد است.

ج- مال با اختیار متصرف، تلف شده باشد: دو نظر وجود دارد: یک- ضامن مشهود له، زیرا طبق قاعده "من اتلف مال الغير فهو له ضامن" هر کس مال متعلق به دیگری را که در دست اوست، تلف کند ضامن آن می باشد. دو- عدم ضامن مشهود له، به دو دلیل: یک- روایت صحیحیه محمد بن مسلم، اگر این روایت نبود می گفتیم مقتضی قاعده این است که مال در دست مشهود له، تلف شده است و تالف، ضامن است و نهایتاً اینکه او به شهود زور رجوع خواهد کرد. دو- به دلیل عدم ضامن مباشر، زیرا در حدود، وقتی تزویر شهود، بعد از حکم ثابت شود، شهود زور قصاص می شوند و ضامن بر عهده مباشر قصاص نیست و لذا وقتی در قتل نفس که محترم است، ضامن بر عهده مباشر و قاتل نیست پس به طریق اولی کسی که مال در دست او تلف شده، ضامن نمی باشد و ضامن فقط بر عهده شاهد زور است نه دیگری (خویی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص. ۷۱ تا ۷۷).

۴-۲ آثار اختصاصی بعد از صدور حکم در حقوق ایران:

۴-۲-۱ اعاده دادرسی و بطلان حکم

اگر کذب بودن شهادت بعد از نهایی شدن حکم مشخص شود به استناد بند ۵ ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی در امور مدنی می توان اعاده دادرسی نمود. این ماده مقرر می دارد: نسبت به احکامی که قطعیت یافته ممکن است به جهات ذیل درخواست اعاده دادرسی شود: بند ۵: طرف مقابل درخواست کننده اعاده دادرسی حيله و تقلبی به کار برده که در حکم دادگاه موثر شده باشد. ب- بند ۵ ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری: ماده ۴۷۴ ق.آ.د. ک.: درخواست اعاده دادرسی در مورد احکام محکومیت

قطعی دادگاهها اعم از آنکه حکم مذکور به اجرا گذاشته شده یا نشده باشد در موارد زیر پذیرفته می شود: بند ث: در دادگاه صالح ثابت شود که اسناد جعلی یا شهادت خلاف واقع گواهان، مبنای حکم بوده است. و پس از احراز دروغ بودن شهادت، حکم صادره باطل و بی اثر می گردد.

۲-۴-۲- جبران خسارت

در اغلب کشورها دو شیوه و نظام جبران عینی و جبران معادلی برای جبران خسارت قابل طرح است که طبق روش عینی، وضعیت زیان دیده باید همانند قبل از ورود خسارت بشود. یعنی ضرر وارده چنان تدارک شود که گویی از اصل زیان وارد نیامده است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص. ۳۵۶). و لذا این روش را بهترین روش و معمول ترین شیوه قلمداد کرده اند. در حقوق ایران، به تاسی از فقه امامیه، اصل اولی آن است که جبران خسارت باید به صورت عینی انجام شود همانطور که در ماده ۳۱۱ قانون مدنی و ماده ۲۱۴ قانون مجازات اسلامی، جبران خسارت را به شکل عینی در صورت بقا و در صورت تعذر عین، مثل آن و در صورت عدم امکان رد مثل، پرداخت قیمت آن را اشاره کرده است.

۲-۵- آثار اختصاصی بعد از صدور حکم در حقوق مصر:

۲-۵-۱- اعاده دادرسی

هر وقت حکم دادگاه بر اساس شهادت زور صادر شود، محکوم علیه می تواند به استناد ماده ۲۴۱ قانون مرافعات درخواست دادرسی مجدد دهد. مدعی علیه، بعد از حکم نهایی دادگاه با توجه به حالات زیر می تواند درخواست اعاده دادرسی کند: هر وقت مبنای حکم دادگاه بر اساس شهادت زور صادر شده باشد. طبق ماده ۴۴۱ قانون اجرائات الجنایی - درخواست دادرسی مجدد در مورد احکام نهایی امور جنایی، در مواد جنایی و جنحه ای که بر اساس یکی از موارد ذیل صادر شده باشد، جایز است: بند ۳- هنگامی که برای شهود و کارشناسان، طبق باب ششم از کتاب سوم قانون عقوبات، حکم مجازات شهادت زور صادر شده باشد.

۲-۵-۲- جبران خسارت

در حقوق مصر اصل اولی در جبران خسارت زیان دیده، طبق بند یک ماده ۱۷۱ قانون مدنی، آن است که قاضی با توجه به اوضاع و احوال، میزان خسارت را بر اساس پرداخت پول نقد تعیین می کند، مگر طبق بند دو ماده مذکور، زیان دیده خواستار جبران خسارت از طریق اعاده وضع به حالت اولیه باشد. لذا در حقوق مصر جبران خسارت به شیوه معادلی، مقدم است. ماده ۱۷۱ قانون مدنی مصر: ۱- قاضی نحوه جبران خسارت را با توجه به اوضاع و احوال تعیین خواهد کرد. خسارت باید به اقساط یا به تناب تادیه شود که در هر دو حالت می توان متعهد را ملزم به سپردن تضمین نمود. ۲- خسارت شامل پرداخت پول نقد خواهد بود معهذاً به درخواست زیان دیده، دادرسی می تواند با توجه به اوضاع و احوال دستور دهد که جبران خسارت از طریق اعاده وضع به حالت اولیه یا انجام امر معینی که به عمل نامشروع ارتباط دارد، صورت گیرد. سنهوری می گوید: هر خسارتی حتی از

نوع معنوی آن قابل تقویم به پول است و قاضی به خسارت نقدی حکم می کند (سنهوری، ۱۹۵۶م، ج ۲، ص. ۸۲۵). ماده ۱۷۹ قانون مدنی مصر: هر شخصی و لو غیر ممیز که بدون سبب مشروع به زیان شخص دیگر، دارا شود در حدود آنچه دارا می شود، ضامن جبران خسارت شخص دیگر است. این تعهد باقی است حتی اگر نفع، بعد از بین رفته باشد. ماده ۱۸۱ قانون مدنی مصر: چنانچه مالی به کسی تادیه شود که مستحق دریافت آن نبوده، مکلف است آن را مسترد کند.

۳-۵-۲- زندان

ماده ۲۹۷ قانون عقوبات مصر: هر کس در دعوی مدنی شهادت دروغ بدهد به مجازات حبس که مدت آن بیشتر از دو سال نباشد، محکوم می گردد.

۴-۵-۲- زندان و جزای نقدی با هم

جرائم جنحه و جزای نقدی که حداکثر آن بیش از صد جَنیه نباشد.

۵-۵-۲- جزای نقدی

برای امور خلاف باید کمتر از صد جَنیه باشد. ماده ۲۲ قانون عقوبات مصر مقرر می دارد: مجازات جزای نقدی عبارت است از الزام محکوم علیه به پرداخت مبلغ مقرر در حکم به خزانه دولت مقدار جزای نقدی نباید کمتر از صد قروش و در جرائم جنحه ای نباید بیشتر از پانصد جَنیه باشد و طبق ماده ۲۳ قانون عقوبات مصر: اگر کسی بازداشت موقت شود و حکم صادره او جزای نقدی باشد هر روز حبس او پنج جَنیه محاسبه و از جزای نقدی او کسر می گردد.

۲-۳-۲- امور خانواده (طلاق، فوت)

۱-۳-۲- طلاق

۱-۱-۳-۲- طلاق در فقه

اگر دو شاهد به طلاق زنی شهادت دهند که شوهرش او را طلاق داده، و زن به استناد شهادت آنها عده بگیرد و با مرد دیگری ازدواج کند، بعد شوهر اول بیاید و طلاق را انکار کند، و دروغ شاهد معلوم شود، در این حالت: ۱- زن از شوهر دوم جدا شده محسوب می شود و پس از اتمام عده، به شوهر اولش بر می گردد. ۲- مهریه اش را باید از شاهدان زوری که به دروغ به طلاق او شهادت داده اند، اخذ کند. ۳- بر شاهدان زور حد جاری می شود (خویی، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص. ۲۳۳). مستند این حکم روایت صحیحه ابراهیم بن عبد الحمید از ابی عبدالله (ع) است: هرگاه دو شاهد شهادت دروغ دهند که فلان مرد زنش را طلاق داده و زن با مرد دیگری ازدواج کند، بعدا شوهر اول بیاید و طلاق را انکار کند. امام (ع) فرمودند شهود تازیانه می خورند و مهریه ای را که شوهر دوم پرداخته، ضامن هستند و زن باید عده نگه دارد و بعد از عده به شوهر اول رجوع کند (حرعاملی، ۱۴۳۲ق، کتاب شهادت، باب ۱۳، ح. ۱).

یک- حکم طلاق قبل از صدور حکم: موجب بلا اثر بودن شهادت و عدم توجه به آن می گردد. ادله این حکم اینگونه عنوان شده است:

۱- ادعای اجماع یا عدم خلاف: اگر شهود، به طلاق زنی شهادت دهند و سپس قبل از حکم، رجوع کنند، شهادت به اتفاق نظر همه فقها باطل است (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص. ۳۸۲).

۲- فقدان دلیل: دلیلی برای صدور حکم به طلاق از سوی قاضی وجود ندارد زیرا دلیل صدور حکم در این صورت شهادت شهود بوده که با رجوع، دیگر شهادتی باقی نمی ماند و مسئله سالبه به انتفاء موضوع است (شیخ طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص. ۳۲۱).

۳- بنای عقلا: بنای عقلا آن است که به شهادت دروغ استناد نمی کنند.

دو - حکم طلاق بعد از صدور حکم: حکم، نقض می گردد و زن بعد از تحمل عده به شوهر اول بر می گردد.

سه- بررسی ضمان شهود قبل از واقعه:

۱- ضامن نصف مهر المسمی - مشهور فقها معتقدند: قبل از واقعه، شهود ضامن نصف مهر المسمی می باشند زیرا شهود سبب پرداخت چیزی شده اند که احتمال سقوط آن بخاطر مواردی مانند ارتداد زن یا فسخ به علت عیبی در او وجود داشته است (طباطبائی حائری، ۱۴۰۹ق، ص. ۳۲۷؛ خویی، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص. ۲۳۲). مستند این حکم روایت صحیحه ابراهیم از ابی عبدالله (ع) است.

۲- ضامن نصف مهر المثل: در ذکر مواردی که مضمول مهر المثل می شود احتمال داده شده که اگر دو شاهد به طلاق زنی شهادت دهند و سپس قبل یا بعد از دخول، رجوع کنند بر شهود ضامن مهر المثل ثابت می شود (شهید اول، بی تا، ج ۱، ص. ۳۸۹؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۳ق، ص. ۴۲۷؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص. ۳۸۲).

برای ضمانت شهود قبل از واقعه به موارد ذیل استدلال شده است:

یک- شهود با شهادت خود، شوهر را به پرداخت نیمی از مهر ملزم کرده اند و لذا باید آن را جبران کنند و شهود سبب پرداخت چیزی شده اند که به سبب احتمال ارتداد زن و یا فسخ نکاح از طرف او در معرض سقوط قرار داشته است و لذا چون شهود سبب مستقر شدن مهر بر شوهر شده اند، ضامن می باشند.

دو- طبق اصل برائت، ذمه شهود بر بیش از نیمی از مهریه زن که سبب تلف آن شده اند، مشغول نمی باشد.

سه- قبل از دخول، نیمی از مهر برعهده شوهر است و اگر شوهر تمام مهر را پرداخت کرده باشد نیمی از آن به وی برگردانده می شود لذا اگر قائل به دادن تمام مهریه از طرف شهود شویم، شوهر باید مهریه یک و نیم برابری نصیبتش شود و این باطل است.

۳- عدم ضمان قبل از واقعه: پرداخت مهریه مربوط به خود عقد است که در اثر آن اگر، قبل از واقعه باشد نصف مهر تعلق می گیرد و اگر بعد از واقعه باشد به خاطر خود عقد و واقعه نصف دیگر مهر نیز به زن تعلق می گیرد و ربطی به شهادت شهود ندارد (علامه حلی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص. ۱۸۷؛ نراقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص. ۴۲۸). آقای خوئی در مسئله ۱۲۴ تکمله المنهاج با عبارت "لکنه لا یخلو من اشکال بل الاظهر عدم الضمان. خلافا للمشهور". و امام خمینی ۱۴ در خصوص ضمان نصف مهر المسمی برای شهود اظهار تردید کرده اند و فاضل لنکرانی در شرح آن گفته اند: "در کتاب نکاح ثابت شد که دخول، موجب ثبوت مهر المسمی است اگر چه یک بار بیشتر نباشد و گفتیم که در این صورت شوهر دوم، ضامن می باشد و در فرضی که اصلا دخولی نباشد ظاهر آیه ۲۳۷ سوره بقره نصف مهر را در صورت طلاق ثابت می کند و در این مورد اصلا احتیاج به طلاق نیست و لذا ثبوت ضمان برای دو شاهد نسبت به نصف مهر در فرض عدم دخول، محل تردید است" (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۹ق، ص. ۶۱۲). آقای سبحانی: اگر شهود علیرغم انجام واقعه، ضامن چیزی نیستند باید در قبل از واقعه نیز ضامن چیزی نباشند زیرا پرداخت مهر به علت واقعه نبوده بلکه به خاطر خود عقد بوده و آیه ۲۳۷ سوره بقره نیز موید این نظر است (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ص. ۴۴۷).

چهار- بررسی ضمان بعد از واقعه: در صورتی که شهادت کذب، بعد از واقعه ثابت شود اثبات ضمان شهود وابسته به ضمان آور بودن یا نبودن **تفویت منفعت بضع** است در این خصوص دو دیدگاه ضمان و عدم ضمان وجود دارد که عدم ضمان را مشهور فقها مثل شهید ثانی، فاضل هندی مطرح و استدلال کرده اند:

۱- اگر برای بضع ضمان باشد لازم است جایی که زنی به عمد توسط مردی کشته شود، مرد، هم قصاص شود و هم خسارت شوهر زن را بدهد.

۲- اگر زنی به خطا کشته شود و قتلش شبه عمد باشد قاتل هم باید ضامن دیه، نسبت به اولیای دم باشد و هم نسبت به شوهر که منفعت بضعش تفویت شده است.

۳- اگر زن خودش را بکشد باید از ما ترک او خسارت تفویت بضع به شوهرش پرداخت شود. که همه این موارد سه گانه در فقه امامیه منتفی است. (شهید ثانی ۱۴۱۴ق، ۳۰۵: ۱۴).

۲-۱-۲-۳-۲- طلاق در حقوق ایران

۲-۱-۲-۳-۲- بررسی حکم طلاق

۱- **قبل از صدور حکم دادگاه:** طبق ماده ۱۱۳۳ ق.م. طلاق از حقوق مرد است و در موارد استثنایی زن می تواند درخواست طلاق دهد یعنی هنگام عسر و حرج زن و زمانی که از طرف شوهر وکالت در طلاق داشته باشد. لذا در صورتی که کذب شهادت در طلاق، اثبات شود، مبنای رای دادگاه از بین می رود زیرا رای دادگاه اعلامی است و به ایقاع صورت گرفته یعنی به طلاق، اشاره دارد و از آنجا که چنین ایقاعی وجود خارجی نداشته لذا سبب و موجبی برای نفوذ رای طلاق از سوی دادگاه باقی نخواهد ماند.

۲- **بعد از صدور حکم:** در خصوص ازدواج دوم نیز باید گفت زن شوهر دار به استناد مواد ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ قانون مدنی نمی تواند با مرد دیگری ازدواج کند. ماده ۱۰۵۰ ق.م.: هرکس زن شوهر دار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند، عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام موبد می شود. ماده ۱۰۵۱ ق.م.: حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل به تمام یا یکی از امور مذکور فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی شود.

۲-۲-۱-۲-۳-۲- بررسی مهریه

۱- **بعد از واقعه:** مهر المسمی از آثار عقد نکاح صحیح می باشد و برای نکاح باطل بعد از واقعه مهر المثل منظور می شود و لذا چون با شهادت دروغ، باطل بودن عقد اثبات می شود به زن مهر المثل تعلق می گیرد. طبق منطوق ماده ۱۰۹۹ ق.م. اگر زن به دروغ بودن شهادت شهود در مورد طلاق وی از سوی همسرش، جاهل باشد به زن مهرالمثل تعلق می گیرد. ماده ۱۰۹۹ ق.م.: در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع نزدیکی زن مستحق مهرالمثل است. اما طبق مفهوم مخالف ماده ۱۰۹۹ ق.م. اگر زن با علم و آگاهی به خلاف واقع بودن شهادت شهود اقدام به ازدواج با مرد دیگری کند از نظر فقها مشمول قاعده "لا مهر لبغی" باغی محسوب شده و هیچ مهری به او تعلق نمی گیرد.

۲- **قبل از واقعه:** همانطور که در بحث فقهی میزان و نوع مهر قبل از واقعه ذکر شد سه دیدگاه برای اثر شهادت زور در طلاق قبل از واقعه وجود داشت و نصف مهر المسمی یا نصف مهرالمثل به زن تعلق می گرفت و در خصوص ضمانت شهود نیز به همین میزان بود ولی گروه دیگری به عدم ضمانت شهود در طلاق قبل از واقعه اعتقاد داشتند و قانون مدنی ایران نیز بر همین نظر معتقد است که به زن هیچ مهری تعلق نمی گیرد. ماده ۱۰۹۸ ق.م.: در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده، زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته، شوهر می تواند آن را استرداد نماید. وفق این ماده چون زن، شوهر دار بوده عقد با مرد دوم باطل است و لذا مشمول دریافت هیچ گونه مهری نیست و به دنبال آن شهود نیز ضامن چیزی نمی باشند.

۲-۲-۳-۲- شهادت زور در فوت شوهر

اگر دو شاهد شهادت زور بدهند که شوهر زن، فوت کرده و زن با مرد دیگری ازدواج کند، همان حکم ذکر شده در طلاق توسط شهادت زور، جاری می شود. یعنی ۱- زن از شوهر دوم جدا شده محسوب می شود و پس از اتمام عده، به شوهر اولش بر می گردد. ۲- مهریه اش را باید از شاهدان زوری که به دروغ به طلاق او شهادت داده اند، اخذ کند. ۳- بر شاهدان زور حد جاری می شود (خویی، ۱۳۹۰ش، ج ۲، مسئله ۱۲۵، ص. ۸۱).

۳-۳-۲- امور کیفری

۱-۳-۳-۲- امور کیفری در فقه

۱-۱-۳-۳-۲- بعد از حکم و قبل از استیفاء

بعد از صدور حکم اولین اثر شهادت زور، نقض حکم است. اگر شهود زور در زنا، لواط، سحق و تفخیز و مانند آن شهادت زور داده باشند، و حکم نیز استیفاء نشده باشد، محکوم به حد قذف می شوند.

۲-۱-۳-۳-۲- بعد از حکم و بعد از استیفاء

۱- به قصاص نفس محکوم می شود که دارای حالات مختلفی است:

یک- ولیّ مقتول، به تزویر شهود عالم نباشد: یعنی ولیّ نداند که شهود، شهادت دروغ داده اند و با آنها تباری نکرده باشد. اگر شهادت زور موجب قتل شود، و ولیّ مقتول درخواست کند، شهود زور، قصاص می شوند. شهود، در واقع با شهادت زور خود سبب برای قتل هستند اما چون در این مقام سبب اقوی از مباشر است با آنها معامله مباشر می شود و آنها باید قصاص شوند (محقق حلی، ۱۴۱۰ق، ص. ۲۸۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص. ۳۰۵؛ امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۴، ص. ۱۷۰)

دو- ولیّ مقتول به تزویر شهود عالم باشد و با آنها تباری کرده باشد تا مشهود علیه قصاص شود: دو نظر وجود دارد: یا شهود زور و ولیّ هر دو قصاص می شوند. یا فقط ولیّ مقتول قصاص می شود زیرا شهود ممسک قاتل بوده اند و امام خمینی در این خصوص به نظر دوم تمایل دارد یعنی فقط ولیّ قصاص می شود (امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۴، ص. ۱۷۰).

۲- قصاص عضو: اگر شهادت کذب موجب قطع دست مشهود علیه یعنی سارق گردد بعد از معلوم شدن تزویر شهود، چنانچه، مال از مشهود علیه اخذ شده باشد وی علاوه بر تحمل غرامت مال سرقت شده، به حد قطع دست، مجازات می شود (محقق حلی، ۱۴۱۰ق، ص. ۲۸۳؛ امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۴، ص. ۱۶۸).

۳- حد تازیانه: اگر شهادت کذب منجر به اجرای حد تازیانه برای مشهود علیه گردد، به مشهود علیه متناسب با صدمات وارده، دیه یا ارش از طرف شهود یا قاضی یا بیت المال تعلق می گیرد و از آنجا که در حد، مماثلت راه ندارد، در این موارد حد تازیانه برای شهود زور جاری نمی شود. حد قذف: اگر شهادت شهود در زنا و لواط و سحق و تفخیز به هر دلیل به اثبات نرسد، همگی قاذف محسوب شده و به مجازات حد قذف محکوم می شوند (امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۴، ص. ۱۶۸).

۴- حد قتل: اگر شهود در زنا، تزویرشان ثابت شود، محکوم به قتل می شوند. و برای لواط حد آن قتل توسط شمشیر، یا پرتاب از بلندی، یا آتش زدن او، یا رجم است (امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۴، ص. ۱۹۸). شهود زور پس از اثبات تزویرشان در شهادت با درخواست ولیّ مقتول کشته می شوند.

۵- حد رجم: شهود زور در این مورد به درخواست ولیّ مقتول کشته می شوند و اگر مصالحه کنند، ولیّ مقتول دیه می گیرد.

۶- حد مرکب: تازیانه و رجم برای زناکار محصن و مسن می باشد (امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۴، ص. ۱۸۸). شهود زور ابتدا باید دیه حد تازیانه را پرداخت کند و سپس ولیّ مقتول اگر بخواهد شهود را قصاص می کند و مازاد دیه آنها را پرداخت می کند یا در صورت صلح با آنها، دیه دریافت می کند.

۷- دیه: یک- اگر فردی که در نتیجه شهادت زور، برایش حکم حد صادر شده در اثر اجرای حد، فوت کند، قتل شبه عمد محسوب می شود و شاهد زور باید دیه او را پرداخت کند.

دو- اگر شهود زور متعدد باشند و به حد، محکوم شوند در صورتی که برای همه آنها حد اجرا گردد اگر محکوم، به حد تازیانه یا حد قطع دست شده باشند، دیه مازاد برعهده مشهود علیه است و اگر محکوم، به قصاص نفس شده باشند دیه برعهده ولیّ مقتول است. سه- اگر شهود زور به شهادت کذب خود اعتراف کنند، اما بگویند نمی دانسته اند که این شهادت موجب حد یا قصاص مشهود علیه می شده، شبهه ایجاد می شود و قاعده تدرء الحدود بالشبهات جاری می گردد. شهود زور باید دیه مقتول در قصاص نفس یا قصاص قطع عضو را پرداخت نمایند.

چهار- اگر ولیّ مقتول بخواهد شهودی که تزویرشان، اثبات شده را قصاص کند، باید مازاد دیه آنها را پرداخت نماید و بر عکس اگر ولیّ مقتول، شهود زور را عفو کند، شهود، اگر دو نفر مرد باشند باید دیه مقتول را به تساوی پرداخت نمایند.

پنج- در جایی که با شهادت زور، حد تازیانه برای مشهود علیه ثابت و اجرا شده است، پس از اثبات تزویر شهود، آنها به پرداخت دیه، مجازات می شوند زیرا حد تازیانه، مماثل ندارد.

۲-۳-۳-۲- امور کیفری در حقوق ایران

در حقوق ایران شهادت زور جرم انگاری شده و مجازات آن اینگونه منظور گردیده است: هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. تبصره- مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است. (ماده ۶۵۰ ق. م. ا). مهم ترین جرم انگاری در حقوق کیفری ایران در زمینه مسئولیت کیفری شاهد مربوط به ادای شهادت کذب می باشد که در حال حاضر موضوع ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی است (ابوالحسنی، و آسیابان طاهری، ۱۳۹۲ش، ص. ۱۲۶). جرائم دیگری که در راستای بررسی مسئولیت کیفری شاهد می توان نام برد موضوع مواد ۱۸۲ و ۲۰۰

قانون مجازات اسلامی در رابطه با جرم زنا و لواط است، در این جرائم شاهد اگر چه لزوماً شهادت کذب را مرتکب نشده اما به دلیل قذف موجب مجازات می باشد یعنی وقتی در زنا یا لواط اظهاراتی متفاوت و مختلف نسبت به یک جرم از سوی شهود ابراز گردد یا شهادت نصاب لازم را پیدا نکند شهود به حد قذف محکوم می شوند. ماده ۲۳ ق.م.ا. مقرر داشته است: دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازاتهای تکمیلی زیر محکوم نماید: اقامت اجباری در محل معین، منع از اقامت در محل یا محل های معین، از اشتغال به شغل حرفه یا کار معین، از خدمات دولتی و عمومی، از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری، از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي، از حمل سلاح، از خروج اتباع ایران از کشور، اخراج بیگانگان از کشور، الزام به خدمات عمومی، منع از عضویت در احزاب، گروه ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی، توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا موسسه دخیل در ارتكاب جرم، الزام به یادگیری حرفه شغل یا کار معین، الزام به تحصیل، انتشار حکم محکومیت قطعی. ماده ۲۵ ق.م.ا. مجازاتهای تبعی محکوم را اینگونه مقرر داشته است: محرومیت هفت، سه یا دو ساله از حقوق اجتماعی که طبق ماده ۲۵ ق.م.ا. نمونه هایی از آنها عبارتست از عضویت در شوراهای شهر و روستا، انتخاب شدن یا عضویت در انجمن ها، شوراهای احزاب و جمعیت ها به موجب قانون یا برای مردم، عضویت در هیات های منصفه و امانا و شوراهای حل اختلاف، استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاههای حکومتی اعم از قوای سه گانه و سازمان ها و شرکت های وابسته به آنها، قیم و امین و متولی و ناظر و متولی موقوفات و داور.

۳-۳-۲- امور کیفری در حقوق مصر

برای بررسی انواع کیفر و مجازات در حقوق مصر ابتدا باید انواع جرائم را مورد شناسایی قرار داد تا از طریق آن به انواع مجازات ها دسترسی حاصل شود. بدین منظور باید گفت اقسام جرائم طبق ماده ۹ قانون عقوبات مصر، عبارتند از: جنایات، جنحه ها و امور خلاف. جنایت جرائمی است که مرتکب آن به مجازات های اعدام، زندان ابد، زندان مشدد و زندان محکوم می شود (ماده ۱۰ قانون عقوبات مصر). و لذا مجازات شاهد زور در حقوق مصر را می توان اینگونه برشمرد: ماده ۲۹۵ قانون عقوبات مصر: اگر شهادت دروغ به گونه ای بر حکم دادگاه تاثیر گذارد که موجب ضرر متهم شود، کسی که اقدام به دادن شهادت دروغ به ضرر متهم کرده است به زندان مشدد یا زندان محکوم می شود، اگر شهادت دروغ موجب صدور حکم اعدام متهم شود و حکم اعدام اجرا گردد، کسی که اقدام به دادن شهادت دروغ کرده است، محکوم به اعدام می شود. و طبق ماده ۲۳۰ قانون عقوبات مصر: هر کس عمداً و با سبق تصمیم یا تمهید مقدمات مرتکب قتل نفس بشود به اعدام محکوم می شود. ماده ۲۹۴ همان قانون. هر کس در امور جنایی به نفع یا ضرر متهم شهادت دروغ بدهد به مجازات حبس محکوم می شود. مجازات شاهد زور رشوه در ارتشاء، حبس ابد و جزای نقدی می باشد. ماده ۲۹۸ مقرر داشته است: اگر شاهد در ازای شهادت دروغ در امور جنایی یا مدنی وجه یا مالی گرفته یا هدیه ای دریافت یا وعده ای را قبول کرده باشد، شاهد و پرداخت کننده وجه و وعده دهنده به مجازات رشوه یا به مجازات شهادت زور اگر اشد از مجازات رشوه باشد، محکوم می گردد. مجازات رشوه طبق موضوع ماده ۱۰۳ قانون عقوبات مصر زندان ابد و جزای نقدی می باشد. ماده ۱۰۳: هر کارمند دولت که برای خود

یا برای دیگری جهت انجام وظیفه ای که به عهده دارد چیزی را قبول یا اخذ کند یا وعده یا هدیه ای را قبول نماید مرتشی محسوب می شود. مجازات مرتکب زندان ابد و جزای نقدی که از هزار جنیه کمتر و بیشتر از آنچه اخذ یا مورد وعده قرار گرفته نباشد، خواهد بود. مجازات شاهد زور قاذف، حبس و جزای نقدی می باشد: ماده ۳۰۲ قانون عقوبات مصر: هر کس نسبت به دیگری به وسیله یکی از طرق مذکور در ماده ۱۷۱ این قانون اموری را که در قانون دارای مجازات است و موجب مجازات آن فرد می شود نسبت دهد یا اموری را اسناد کند که سبب تحقیر او در نزد مردم گردد اگر چه امر اسنادی حقیقت باشد، قاذف محسوب می شود. و مجازات قذف طبق مواد ۳۰۳ و ۳۰۸ قانون عقوبات مصر حبس است که نباید بیشتر از یک سال باشد و جزای نقدی است که نباید کمتر از دو هزار و پانصد جنیه و بیشتر از هفت هزار و پانصد جنیه باشد یا یکی از این دو مجازات خواهد بود. مجازات تبعی شاهد زور محرومیت است، طبق بند سه ماده ۲۵ قانون عقوبات مصر هر کس به یک مجازات جنایی محکوم شود از: یک- انجام هر خدمت دولتی دو- استفاده از علائم و نشانه های رسمی و دولتی سه- شهادت دادن نزد محاکم در مدت مجازات چهار- اداره و سرپرستی اموال و املاک خود در مدت مجازات، محروم می شود، مگر در مواردی که دادگاه برای کسب دلیل او را احضار کند.

۳- نتیجه گیری تطبیقی

آثار اشتراکی

- ۱- شهادت زور به عنوان جرم مطلق و جرم عمدی در فقه و حقوق ایران و مصر جرم انگاری شده است.
- ۲- اولین اثر شهادت زور مسئولیت و ضمان و مجرمیت شاهد زور می باشد که دارای آثاری قبل از صدور حکم و بعد از صدور حکم است، برای قبل از صدور حکم: عدم ترتب اثر به شهادت و مجازات.
- ۳- آثار شهادت زور، برای بعد از صدور حکم را می توان به قبل از استیفاء حکم و بعد از استیفاء حکم در امور حقوقی و امور کیفری تقسیم نمود. قبل از استیفاء حکم، عبارتست از نقض حکم و اعاده دادرسی که مشترک بین سه نظام یاد شده است.

آثار افتراقی

- ۱- جبران خسارت در فقه و حقوق ایران از طریق برگرداندن مال در صورت بقاء مال و پرداخت مثل یا قیمت آن در صورت تلف مال است ولی در حقوق مصر جبران خسارت از طریق معادلی می باشد که با نظر قاضی انجام می شود مگر شاکی بخواهد که وضعیت به حالت اول برگردد.
- ۲- در حقوق ایران، اجرای مجازات های مختلف حدود، قصاص و دیات متناسب با نتیجه حاصله از جرم ارتكابی اشاره شده است.

۳- در حقوق مصر، با توجه به تقسیم جرائم به جنحه، خلاف و جنایت، مجازاتهایی متناسب با هر یک از آنها یعنی جزای نقدی، زندان، زندان مشدد و اعدام، تعیین شده که این تقسیمات را می توان از نقاط قوت حقوق مصر برشمرد.

۴- مجازات تشهیر که شاخصه فقه می باشد به عنوان اثری بسیار مهم در پیشگیری از شهادت زور به عنوان نقطه قوت فقه امامیه محسوب شده و خلاء آن در حقوق ایران و مصر به عنوان نقطه ضعف این دو سیستم حقوقی تلقی می گردد.

۵- توجه فقه امامیه به آثار شهادت زور در امور مدنی مثل طلاق و فوت از نقاط قوت فقه امامیه می باشد و عدم توجه صریح به این امر را می توان از نقاط ضعف دو سیستم حقوقی ایران و مصر عنوان نمود.

۶- سبک بودن میزان جرائم در ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی ایران که از نقاط ضعف حقوق ایران محسوب می شود. ۸- علیرغم وجود مجازات های سه گانه اصلی، تکمیلی و تبعی در حقوق ایران، باید گفت برای مجازات شهادت زور همانند قوانین مصر، مواد متعدد و جداگانه وضع نگردیده است. بر خلاف قوانین دیگر کشورهای اسلامی (از جمله مصر) قانون ایران توجه ویژه ای به این نوع بزه مخرب و متعارض با عدالت قضایی و کیفر ویژه مترتب بر آن یعنی تشهیر ننموده است (مرتاضی، موسوی رکنی، ساریخانی، ملک افضلی، ۱۳۹۳ش، ۱۲۱).

منابع

۱- قرآن کریم

الف- کتب فارسی

- ۲- ابوالحسنی، سمانه، (۱۳۹۴ش)، آخرین اصلاحات و الحاقات حقوقی و کیفری، تهران، آلاقلم. چاپ اول.
- ۳- بروجردی، حسین، (۱۴۲۹ق)، منبع فقه شیعه، انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول.
- ۴- بوشهری، جعفر، (۱۳۸۷)، حقوق جزا (اصول و مسائل)، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸)، ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش.
- ۶- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷- شاملو احمدی، محمدحسین، (۱۳۸۰)، فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، تهران، نشر دادیار.
- ۸- شاهرودی، محمود، (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مذهب اهل بیت (ع)، قم، دائرة المعارف فقه اسلامی.
- ۹- شعرانی، ابوالحسن، (۱۳۶۷)، ترجمه تبصره المتعلمین علامه حلی، تهران، چاپ اسلامی.
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، الزامهای خارج از قرار داد، تهران، دانشگاه تهران، چاپ هشتم.
- ۱۱- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.

کتب عربی

- ۱۲- ابن ادریس عجللی حلی، محمد، (۱۴۱۰ق)، السرائر، قم، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین.
- ۱۳- ابن فارس، احمد، (۱۳۹۹ق)، مقاییس اللغة، قم، دار الفکر.
- ۱۴- ابن منظور، جمال الدین محمدبن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار صار، چاپ سوم.
- ۱۵- السنهوری، عبدالرزاق احمد، (۱۹۵۶م)، الوسیط، دار النشر للجامعات المصریه.
- ۱۶- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۳۲ق)، وسائل الشیعه، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۱۷- حلی، علامه، حسن بن یوسف، (۱۴۲۲ق)، تحریر الاحکام الشرعیه، قم، انتشارات اسلامی.
- ۱۸- حلی، محقق، جعفر بن حسن، (۱۴۱۰ق)، المختصر النافع فی فقه الامامیه، تهران، موسسه بعثت.

- ۱۹- خمینی، سید روح اله، (۱۳۸۴)، تحریر الوسیله، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۰- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۲۸ق)، القضاء و الشهادات، قم، مکتبه الامام الخویی.
- ۲۱- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۹۰ق)، مبانی تکمله المنهاج، بغداد، جامعه بغداد.
- ۲۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۶۲)، مفردات الفاظ قرآن، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- ۲۳- روحانی، سید محمد صادق، (۱۳۸۷)، فقه الصادق، قم، انتشارات شروق.
- ۲۴- سبحانی، جعفر، (۱۴۱۸ق)، نظام القضاء و الشهاده فی الشریعه الاسلامیه، قم، امام الصادق(ع).
- ۲۵- شهید اول، محمد بن مکی عاملی، (۱۴۱۲ق)، الدروس، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۲۶- شهید اول، محمد بن مکی عاملی (بی تا)، القواعد و الفوائد، قم، مکتبه المفید.
- ۲۷- شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی جبعی، (۱۴۱۴ق)، مسالك الافهام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
- ۲۸- صدوق، علی بن بابویه، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات اسلامی.
- ۲۹- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (بی تا)، المبسوط فی الفقه الامامیه، تهران، المرتضویه.
- ۳۰- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۷ق)، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۳۱- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۷ق)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، قم، نشر اسلامی.
- ۳۲- طباطبائی حائری، سید علی، (۱۴۰۹ق)، شرح الصغیر فی شرح المختصر النافع، قم، نشر مکتبه المرعشی.
- ۳۳- طباطبائی حکیم، سید محسن، (۱۳۸۱ق)، مستمسک العروه الوثقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳۴- عبدالمالک، جندی، (۱۳۴۹ق)، الموسوعه الجنائیه، بیروت، دار الاحیاء لتراث العربی.
- ۳۵- عوده، عبدالقادر، (۱۴۱۳ق)، التشریح الجنایی مقارنا بالقانون الوضعی، بیروت، موسسه الرساله.
- ۳۶- فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۱۴ق)، تفصیل الشریعه (الاجتهاد و التقليد)، قم، موسسه نشر اسلامی.
- ۳۷- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، (۱۴۰۳ق)، نضد القواعد الفقهیه علی مذاهب الامامیه، قم، انتشارات مرعشی.
- ۳۸- فاضل هندی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام و الابهام، قم، موسسه نشر اسلامی.

- ۳۹- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۲۵ق)، کتاب العین، قم، اسوه.
- ۴۰- فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۰۱ق)، مفاتیح الشریعه، قم، انتشارات مرعشی.
- ۳۱- فیومی، احمد بن حمد، (۱۴۰۵ق)، المصباح المنیر، قم، دارالهجره.
- ۴۲- قلجی، محمد، (۱۴۰۵ق)، معجم لغه الفقهاء، بیروت، دار الفوائد و النشر، چاپ اول.
- ۴۳- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۱ق)، اصول الکافی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- ۴۴- مجلسی اصفهانی، محمد تقی، (۱۴۰۶ق)، روضه المتقن، قم، موسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
- ۴۵- معلوف، لوئیس، (۱۳۸۵)، فرهنگ جامع نوین، تهران، کتابفروشی اسلام.
- ۴۶- مفید، محمد بن محمد نعمان، (۱۴۱۰ق)، المقنعه، قم، موسسه النشر الاسلامی،
- ۴۷- نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۸ق)، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۸- نراقی، ملا احمد، (۱۴۱۹ق)، مستندالشیعه فی احکام الشریعه، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث.

ب- مقالات

- ۴۹- زمانی، لیلا؛ ایوبی، حسین؛ تولایی، علی، تشهیر شاهد زور، فقه و مبانی حقوق اسلامی، (۱۳۹۰ش)، ۲، سال ۴۴، (پاییز و زمستان).
- ۵۰- شجاعی، صدیقه بیگم، آهنگران، محمد رسول، روحانی مقدم، محمد، جایگاه تشهیر رسانه ای در مبارزه با مفاسد اقتصادی، رهیافت، (۱۳۹۸ش)، ۴۹، سال ۱۳، (زمستان).
- ۵۱- مرتاضی، موسوی رکنی، ساریخانی، ملک افضل، بررسی معنا شناختی شهادت زور و ضرورت معرفی عمومی مرتکب آن در فقه مذاهب خمس، پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی، (۱۳۹۳ش) ۳۵، سال دهم، (بهار).

A comparative study of the legal and penal effects of perjury in Imamiah jurisprudence and Iranian and Egyptian law

Abstract

Testimony as a proof of a lawsuit is a common aspect of jurisprudence and law systems of Iran and Egypt, if it is false, it will create many effects, including the unjustification of public rights and disorder and social and judicial disorder. It was prevented and this important goal was achieved through the comparative recognition of its jurisprudential, legal and penal effects in the Imamiah jurisprudence systems and the laws of Iran and Egypt and introducing the weaknesses and strengths of each of them.

.The comparative findings of this research, which was conducted for the first time in a descriptive-analytical method, show that perjury is considered among the absolute crimes in Imamiyyah jurisprudence and Iranian and Egyptian law, and it has common effects that must be considered before issuing a verdict. It is possible not to order the effect and punishment of the perjury and for after the issuance of the verdict, violation of the verdict, compensation for evident damages against, resumption of proceedings and various punishments that are appropriate to the crime resulting from witnessing by force, which in the jurisprudence and law of Iran, Ta'zir, Hudud and Qisas and In Egyptian law, Diat concluded that punishments are appropriate for misdemeanors, misdemeanors and crimes. Another comparative finding of this research is the special attention of Imamiyyah jurisprudence to the punishment of defamation as well as dealing with family law issues such as divorce and marriage, which are considered to be one of the strengths of this legal system, and the absence of these positive works in the laws of Iran and Egypt is one of the shortcomings and weaknesses. The two mentioned systems have been concluded.

Keywords: perjury, effects of perjury, defamation punishment, other punishments